

تفسیر سوره یوسف، جلسه سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲) نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳) إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴) قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۵)

آن چه که در آیه ۳ آمده: **وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ**، تعبیر منفی محسوب نمی‌شود؛ چون سه نوع تعبیر

غفلت در قرآن داریم ۱- غفلت به معنای بد ۲- غفلت به معنای خوب ۳- غفلت طبیعی

غفلتی که در این آیه می‌بینیم، غفلت طبیعی است؛ یعنی به واسطه این که حضرت رسول در آن زمان حضور

نداشتند و تعبیر دیگرش **وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ** است؛ تو آن جا پیش آن‌ها نبود؛ مثل این که شما نمی‌دانی پشت

دیوار چه خبر است!

برای غفلت بد، آیه ۹۲ سوره یونس را بیاورید! خدا خطاب به فرعون می‌گوید: **فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ**

**لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ**؛ امروز بدن تو را (یا به معنی بدن است یا به معنی زره

است. در عربی اگر بدن به معنی بدن باشد بدن خیلی بزرگ را می‌گویند بدن و ظاهراً فرعون هیکل درشتی

داشته) امروز بدن تو را نگه می‌داریم کما این که ظاهراً تا امروز بدن فرعون مانده است! **لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً**؛

تا برای بعد از تو نشانه باشد. به هر جهت به عنوان نشانه نگهت می‌داریم **وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ**؛

کثیری از مردم از آیات ما غافلند. این تعبیر بد از غفلت در قرآن است.

در ص ۳۵۲، سوره نور: ۲۳ غفلت به معنی خوب است: **إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي**

**الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ**؛ کسانی که رمی می‌کنند؛ یعنی تهمت می‌زنند و نسبت‌های فحشاء به محصنات

(خانم‌های پاکدامن) می‌دهند. غافلات یعنی آدم‌های از فحشا بی‌خبر که خیلی چیزها را نمی‌دانند که در این آیه

به عنوان یک ویژگی خوب از آن یاد می‌شود. اصلاً دانستن detail خیلی چیزها خوب نیست و تعبیر مثبتی نیست که کسی بداند مثلاً ما در دنیا چند نوع فحشا و آزار جنسی داریم. بد نیست که ندانیم مراکز فساد در تهران کجاست! بلکه خیلی هم خوب است. غافلات در این جا به معنی غفلت از آیات الله نیست. **لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ**؛ کسی که به این‌ها تهمت می‌زند، در دنیا و آخرت ملعون است؛ یعنی این تهمت دامن او را در این دنیا هم می‌گیرد. این از تعبیرهای شدید و سخت قرآن است؛ مثلاً کسی خودش لو رفته و می‌خواهد یک جوری خودش را تبرئه بکند، می‌چسباند به یک دختری! این آدم گرفتار عذاب عظیمی هم خواهد شد.

سؤال کردند این که دست و پا شهادت می‌دهند، مگر دست و پا غیر خود ماست؟

جواب: بله! ما دست و پا نیستیم. داریم: **وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ** (فصلت: ۲۴)؛ این‌ها از پوست خودشان می‌پرسند؟ **لِمَ شَهِدْتُمْ؟** چرا علیه ما دارید شهادت می‌دهید؟ می‌گویند: خدا ما را به نطق آورده همان خدایی که همه را به نطق می‌آورد. نمی‌گویند خدا به ما یاد داد، می‌گویند: خدا نطق ما را باز کرد؛ یعنی ما در دنیا فهمیدیم شما چه می‌کنید منتها این جا نطق ما باز شد. در این دنیا همین دست و پا رفتار و اعمال ما را می‌بیند و این پوست شما هم شما نیستید. او شاهد است و شهادت هم می‌دهد. خدایی که می‌تواند همه چیز را به نطق در بیاورد، پوست ما را هم به نطق در می‌آورد. امیر المؤمنین هم در نهج البلاغه دارد: **أَعْضَائِكُمْ شُهُودُهُ وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ**؛ اعضا و جوارح شما شهود و سپاه خدایند.

اگر کسی شعور موجودات را قبول بکند، توی تاکسی هم خلاف نمی‌کند و هیچ کس هم نبیند خلاف نمی‌کند. پای کامپیوتر هم خلاف نمی‌کند. اصلاً «کسی نیست» نداریم! وقتی عالم با شعور همه دارند می‌بینند. آدم جلوی بچه خلاف نمی‌کند. حتی در محضر دیوار و پرده هم خلاف نمی‌کند. دانستن این مطلب یکی از کنترل کننده‌ترین ابزار است. هر که دروغ می‌گوید، یا غیبت می‌کند حتی اگر می‌چ او را نگیرند امام زمان که در جا شاهد است. رسول الله شاهد است. **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا** (بقره: ۱۴۳)؛ رسول بر همه شهدا شاهد است؛ یعنی اشراف دارد.

سؤال دیگر این که حالا که موجودات شعور و درک دارند، تکلیف هم دارند؟

جواب: درک با تکلیف نسبت مستقیم ندارد. موجودات دیگر غیر از جن و انس تکلیف ندارند. یک نصاب خاصی از شعور را لازم است به اضافه اختیار تا کسی در منطقه تکلیف واقع بشود. ملائکه هم شعور و درک دارند و بر اعمال شما شهادت می دهند، ولی تکلیف ندارند چون اختیار ندارند.

(۴): **إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ**؛ این که شمس و قمر و ۱۱ ستاره سجده

کردند؛ یعنی چه چیزی دیده؟ چه جوری دیده؟ و از آیه بعد مشخص می شود که این ها را در خواب دیده و از این آیه چیزی در نمی آید.

در آیه بعد حضرت یقوب می گوید: **يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ**؛ معلوم می شود این را در رویا دیده است. بعد چه

جوری دیده؟ اصلاً مگر شمس و قمر سجده می کنند؟ اگر هم سجده می کنند یعنی چه کار می کنند؟ بعضی از مفسرین اهل سنت می گویند: اگر در بیداری دیده بود که همه هم می دیدند و این حرف درستی نیست؛ چون ممکن است کسی از اوحدی آدم ها خیلی اتفاقات را در بیداری ببیند و بقیه نبینند. چشم که فقط چشم مادی نیست؛ مثلاً این ستون حنانه که پیغمبر به آن تکیه می دادند و صحبت می کردند و بعد اصحاب دیدند پیغمبر خسته می شوند یک مبنر چند پله ای برای حضرت آماده کردند، بعد حضرت که از این ستون فاصله می گیرند، صدای این ستون در می آید و ناله می کند و پیغمبر می روند و این ستون را بغل می کنند تا آرام بگیرد و این را فریقین (شیعه و سنی) نقل می کنند. این را اصحاب می بینند و ممکن است به برکت رسول الله صدای هم بشنوند ولی روال نیست که آن چه را اولیاء می شنوند بقیه هم بشنوند. درصد کمی از آدم ها چیزهایی را می بینند و می شنوند. این ستون حنانه خیلی ادبیات فارسی و عربی را تحت تأثیر خودش قرار داده. این شعر «حیلت رها کن عاشقا» از دیوان شمس که شهرام ناظری می خواند ناظر به همین است:

حیلت رها کن عاشقا دیوانه شو دیوانه شو	وندر دل آتش در آر پروانه شو پروانه شو
هم خویش را بیگانه کن هم خانه را ویرانه کن	آنکه بیا با عاشقان همخانه شو همخانه شو
بنواخت نور مصطفی آن استن حنانه را	کمتر ز چوبی نیستی حنانه شو حنانه شو

بالاخره اگر ناله فراق تو هم در بیاید نور مصطفی تو را هم در آغوش می‌گیرد. اگر کسی حنانه باشد؛ ناله‌اش درآمده باشد، به شرط درآمدن ناله فراق از یک نفر امام زمان او را هم بغل می‌کند.

این که این‌جا ساجدین گفته می‌شود، سجده واژه‌ای است که ما در فارسی معادل آن را نداریم و در زبان‌های دیگر هم به این راحتی گیر نمی‌آید، حتی تراجم قرآن را نگاه بکنید می‌بینید همین واژه یا *prostration* یا *bowing down* به معنی سر خم کردن برای تعظیم آمده که معنی سجده این نیست! در عربی سجده آن خضوع کامل و تحت اختیار بودن را گویند که یک موقع به صورت پیشانی به زمین زدن حاصل می‌شود و یک موقع این جور حاصل نمی‌شود؛ یعنی در آیات سجده ملائکه بر انسان داریم **وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ** (بقره: ۳۴)؛ ملائکه که سجده می‌کنند که پیشانی و دست و پا ندارند. سجده ملائکه یعنی چه؟ سجده ملائکه هر معنی را می‌دهد سجده شمس و قمر هم همین معنی را می‌دهد. سجده در آن‌جا یعنی یک خضوع تام و کامل که فرد تحت اختیار و اراده و رام او باشد. این‌جا دیده که تمام این ۱۱ ستاره و ماه و خورشید در اختیارش هستند.

سجده هم عبادت ذاتی نیست؛ یعنی **سجده ذاتاً عبادت نیست**. سجده برای غیر خدا هم جائز هست گرچه توصیه نمی‌شود. در آیه ۱۰۰ سوره یوسف دارد: **وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا**؛ پدر و خاله‌اش روی تخت می‌نشینند و به او سجده می‌کنند؛ یعنی یک پیامبری چون یعقوب بر یوسف سجده می‌کنند، لذا اگر در حرم رضوی تشریف بردید، توصیه نمی‌شود به سجده کردن به دلیل کج فهمی بعضی! چون بعضی فکر می‌کنند ما بت پرست شده‌ایم ولی سجده کردن هم به معنی عبادت کردن نیست. اما رو به ضریح امام رضا نمی‌شود نماز خواند چون عبادت است؛ یعنی عبادت تشریح شده فقهی در برابر امام نمی‌شود انجام داد؛ مثلاً کاملاً قبله را تغییر داد.

نکته دیگر این‌که چطور شده که این آدم‌هایی که می‌خواستند پیغمبر بکشند، چطوری در رویای حضرت یوسف به صورت ستاره درآمده‌اند؟ چون تعبیر به ستاره تعبیر نسبتاً مثبتی محسوب می‌شود. ممکن است آدم

ابتدای زندگیش اقدام به پیغمبرکشی هم بکند ولی به قول روایت: **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِيمِهَا؛** خاتمه آدم و عمل مهم است و ممکن هم هست که آدمی ابتدای راه وضعش هم توب باشد ولی خراب کند. پناه بر خدا!<sup>۱</sup>

به هر جهت **توبه آدم را خوش خاتمه می کند.** اول برادران یوسف اقدام به پیغمبرکشی کردند ولی در آخر دو تا پیغمبر برایشان استغفار کردند، البته منوط به این است که خودشان گفته اند: ما غلط کردیم. آیه ۹۱ را نگاه کنید: **قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ أَثَرَكِ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ؛** ما قسم می خوریم که خدا تو را بر ما برتری داد ولو این که ما خطاکار بودیم. اشاره کردن به این مهم است که «ما غلط کردیم» وقتی این را می گویند، حضرت یوسف می گویند: **قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْرِ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛** سرزنشی امروز بر شما نیست و خدا شما را می بخشد و خدا ارحم الراحمین است. در آیه ۹۷ هم یعقوب پیغمبر هم برای این ها استغفار می کند. **قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ.** این آیه شاهدهی است بر بحث شفاعت<sup>۲</sup>.

کسانی که می گویند شفاعت چیست و ما شفاعت نداریم، به دلیل آیات بسیار خطرناکی است که در خود قرآن داریم. در آیه ۱۲۳ بقره: **وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ؛** اصلاً شفاعتی قبول نیست، حتی بدتر از این! **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ** (بقره: ۲۵۴)؛ نه این که شفاعت معقول نداریم بلکه اصلاً شفاعت نداریم! در حالی که شواهد دیگری بر اثبات شفاعت در قرآن داریم که به حضرت یعقوب می گویند: **يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛** برای گناه ما تو استغفار کن. این چیزی است که دقیقاً با شفاعت سازگار است و در شفاعت ما همین را می گوئیم. اگر کسی حرم امام رضا برود و بگوید تو یک کاری برای ما بکن! این شرک است ولی اگر بگوید تو برای ما استغفار بکن که خدا ما را ببخشد، درست است که حضرت یعقوب هم می گوید: **قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۹۸)؛** در روایت آمده که حضرت یعقوب منتظر وقت سحر بود که گفت: سوف استغفر. به هر جهت اگر این ها در رویا به صورت ستاره دیده شدند؛ چون **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِيمِهَا؛** آخرش خوش خاتمه شدند.

**رؤیا بشارت و چشم اندازی از آینده**

نکته بعد این که تمام حرکت حضرت یوسف با یک ماجرای خواب شروع می‌شود. خدا این کار را برای آدم می‌کند برای بندگانی که با آن‌ها یک کاری دارد. یک نوع اجتناب و گل‌چین کردنی می‌خواهد برای این‌ها اتفاق بیفتد که در آیات داریم: **وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ (۶)**؛ مخصوصاً برای کسانی که می‌خواهند از مسیرهای پرمخاطره‌ای بگذرانند؛ به خاطر این که آدم را باید از مسیر سخت عبور بدهند که او آبدیده بشود، باید در کوره ببرندش تا تخلیص بشود. این چوب بی ارزش را باید با اره و مته و میخ بزنند تا یک تابلو معرق کاری درست و حسابی بشود. خداوند قبل از این مسیر پر مخاطره در عالم رویا یک چیز خوشی به او نشان می‌دهد که او با این خاطره خوش همیشه برود. مثلاً کسی که خواب می‌بیند در خواب شیر خورد؛ یعنی که قرار است عالم بشود. این رویاها هم دیرتعبیر است و مسیر عالم شدن مسیر پرمخاطره‌ای است. او ممکن است با آن رویایی که به او نشان می‌دهند برود و در وسط مسیر جاهایی است که او خیلی دارد اذیت می‌شود، آن جایی که یوسف را به چاه انداخته‌اند و عملاً دارد قطع امید می‌کند، دارد: **وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا (۱۵)** در این زمان هنوز یوسف پیامبر نشده. این آیه شبیه آن آیات سوره طه است که دارد **إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ \* أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ... (۳۸-۳۹)**؛ مادر موسی خواب دید که خدا به او می‌گوید: این را بگذار در یک جعبه و در رود رهایش کن! این وحی یا از سنخ الهام است که به حضرت یوسف شده، یا از سنخ خواب مادر حضرت موسی است.

آن جا که حضرت یوسف در **غِيَابَتِ الْجُبِّ (۱۵)** رفته دارد: **وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛** تو قطعاً به این‌ها خبر خواهی داد که چه شد! می‌خواهد به او بگوید که تو قطعاً از این جا بیرون می‌روی.

بالاخره با آدم از این کارها می‌کنند. شما پایت را در مسیر خیر بگذار، فکر نکن بتوانند له بکنند آدم را! مگر در باشگاه فقط به شما می‌گویند وزنه بزن! دو تا وقت استراحت هم به شما می‌دهند، دو تا نرمش مفرح هم می‌دهند. در مسیر ترقی هم همین است. کسی که بیاید و شروع کند به تمرین کردن بی برو برگرد این کار را با او می‌کنند. چه جوری؟ هر جوری که صلاح دیدند. اگر قرار است خواب ببیند، خواب می‌بیند. اگر قرار است صدایی بشنود، می‌شنود. اگر قرار است چیزی ببیند، می‌بیند. خدا خودش مربی است و خودش هم بلد است تربیت کند. تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده‌پروری داند

خود او بلد است که چکار بکند؛ یعنی اگر کسی پا بگذارد و در مسیر بیاید و یا علی را بگوید، به قطع بدانید که اولش اذیت است. فکر نکنید پا بگذارید و بگویید: چه اتوبانی است! اولش سنگلاخ و پستی بلندی دارد، انگار آدم انداخته جاده خاکی دارد می‌رود. بعد یواش یواش بُشری‌ها (بشارت‌ها) می‌آید. این که داریم: **لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا** (یونس: ۶۴)؛ بشارت در همین حیات دنیا و گفته‌اند یکی از بشارت‌ها رؤیا است. حالا اگر می‌بینید داستان حضرت یوسف با این بشارت شروع می‌شود، برای پیغمبر هم خدا جابجا رؤیا می‌آورد. مثلاً در رؤیا گفته‌اند عالم می‌شویم! مشکل است؟ تحمل می‌کنیم! یک جا سخت می‌شود، یک رؤیای دیگر می‌آید.

(سؤال) ج: الان در آیه روشن می‌شود که اگر کسی قلبش به یک ضیق کلی بیفتد، به املاء و استدراج بیفتد. گاهی یک لحظه حسد ممکن است چنین کاری را با آدم بکند. این حسدی که حتی انبیاء هم به راحتی از آن در نرفته‌اند و یک چیز جدی است. البته برای سبک شدن این بار راهی هست و یکی از مهم‌ترین راه‌های این است که برای طرف محسود (کسی که به او حسد می‌ورزید) شبی بلند شوید و خالصانه دعا کنید! بعد ببینید که چقدر تأثیر دارد!

### بقای بر خطا انسان را گرفتار املاء و استدراج می‌کند

برادران یوسف آدم‌های معمولی بودند که یک کاری از دستشان در رفته و حضرت یوسف هم این خواب را رفته تعریف کرده و این حسد دامنش را گرفته و آن موقع هم که یوسف پیغمبر نبود، برادرشان بود و لذا دائم در ضیق نبودند، اما اگر کسی مدت‌ها در یک خطا باقی بماند، دچار املاء و استدراج می‌شود.

یکی از خطرناک‌ترین عذاب‌ها برای قتل عمد است و این برادران یوسف را نکشتند بلکه سر به نیست کردند و **الَا وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعَمَدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَذِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا** (نساء: ۹۳)

همین که برادران یوسف را نکشتند نشان می‌دهد که جا برای هدایتشان هست.

این هم علت این که چرا جریان یوسف با رؤیا شروع شده.

### پدیده خواب و خواب دیدن

در میانه این سوره چون به اقسام و فروع خواب خواهیم پرداخت، کلیاتی از بحث خواب خدمتان می‌گوییم؛ چون باید کلیات آن را بدانید تا فروع خواب برایتان معلوم شود.

یک حالتی داریم که آن حالت، خواب نیست و به آن **حالت منامیه** گفته می‌شود. حالتی است که طرف بیدار است و دارد یک چیزی را می‌بیند، یا می‌شنود که شما نمی‌شنوید و نمی‌بینید. در روایات هم این هست که به آن باز شدن چشم برزخی هم می‌گویند و اگر تجربه بشود این جوری است که از داخل شنیده، یا دیده می‌شود و از بیرون شنیده یا دیده نمی‌شود که مثلاً اگر به کسی بگوییم تو می‌شنوی؟ می‌گوید: نه! این به لحاظ عقلی هم قابل اثبات است. رزقنا الله و ایاکم. و این احساس دست نمی‌دهد که او دارد یک چیز بیرونی می‌بیند بلکه احساس می‌کند چیزی از حقیقت خودش را دارد می‌بیند. در آیه **فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا** (مریم: ۱۷) کسی که برای حضرت مریم تمثیل شد، اهل فن می‌گویند این لام لام ملکیت است؛ یعنی تمثیل مال خود حضرت مریم است، ضمن این که ممکن است هم نشناسد! چنانچه ما خودمان را کاملاً نمی‌شناسیم؛ مثل خوابی که می‌بینید انگار که از حقائق خودتان دارید چیزی را می‌بینید و یک نوع اتحاد روحی با آن احساس می‌کنید و فرق دارد با احساس شما نسبت به اشیاء بیرونی که حتی اگر دست روی گوشتان هم بگذارید باز می‌شنوید! و احساس می‌کنید که از درون خودتان دارید می‌شنوید. این حالت منامیه به شرط این که عجب نیاورد، خیلی چیز خوبی است! اگر عجب بیاورد یا از آدم گرفته می‌شود، یا خودش رهن می‌شود.

آن چیزی که خواب و خوابیدن است در وقتی است که تمام قوای ادراکی شما مسدود می‌شود و تمام ورودی‌های نفس‌تان قطع می‌شود. در این هنگام روح شما آزاد می‌شود: **وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ** (انعام: ۶۰)؛ در شب شما را به تمامی می‌گیرد **اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى** **إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ** (زمر: ۴۲)؛ **اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا** کسی که می‌خوابد خدا جانش را می‌گیرد **فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا**؛ کسی را که مرگش فرار سیده نگه می‌دارد **وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى**؛ کسی را که خوابیده جانش را می‌فرستد.



به هر جهت روی پدیده خواب و خواب دیدن باید حساب کرد و این به معنای کپه مرگ زمین گذاشتن نیست! این خیلی چیز مهمی است چون که جان شما باید برود **مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ**؛ پیش حکیم علیم و باید حکمت و علم گیرش بیاید. مگر می شود کسی پیش حکیم علیم برود و حکمت و علم گیرش نیاید! نمی شود کسی خواب برود و خواب نبیند. نهایت این است که خوابش یادش نیست. وقتی دریاچه های قلب و مجاری ادراکی مسدود می شود و جان آزاد می شود، اگر بتواند از محیط خودش خودش را خلاص بکند، خلاص می کند و می رود اما اگر آدم خیالپردازی باشد که با خیالات نفسانی خودش خیلی کار می کند؛ مثلاً سه ساعت با خاطرات روز کار می کند، این نفس نفسی می شود که عادت می کند صور نفسانی را ترکیب کند و در این صورت می شود اضغاث احلام که در همین سوره یوسف ذکرش رفته؛ یعنی اصلاً چیزی نمی بیند. نفس که آزاد می شود شروع می کند تصاویر خودش را ترکیب و تبدیل می کند و تحویل نفس می دهد، یک صحنه هایی را ممکن است ببیند. در آن صحنه ها خاطرات روز ترکیب شده و این ها را دیده؛ لذا خواب هایی که تعبیر ندارد (دون تعبیر است؛ پایین تر از حدی است که بخواهد ترکیب شود) در واقع یعنی چیزی ندیده که بخواهد تعبیر بشود.

اگر خوابی دیدید و مدتی و روزهایی روی آن فکر کردید اگر نگوییم بی ارزش است باید بگوییم این ها خواب های کم ارزش است! چون نفس آن ها را ترکیب و تبدیل می کند و دوباره به خودتان می دهد.

اما اگر روح از تبدیل های خودش آزاد بشود و برود با حقائق دیگری که در این عالم هست چه در عالم مثال یا تجرد برزخی، یا عوالم عقلی و ملکی هست، برخورد بکند حالا باز بستگی به روح شما دارد.

در دانشگاه امیرکبیر به دانشجویها گفتم: تقلب نکنید و کاری هم به حرام بودن و نبودن آن ندارم، یا این که دانشگاه شما را می گیرد، یا نمی گیرد، اگر نفس نفس متقلبی بشود، شما خیلی چیزها را از دست می دهید یکی این که نظام خانوادگی خودتان را از دست می دهید؛ چون وقتی خانواده هم تشکیل می دهید، آدم متقلبی هستید و همه را می پیچانید. دوم یکی از تأثیرات عظمای آن در بحث خواب است؛ نفس متقلب که حقائق را قلب می کند و عوض می کند، همین نفس می خواهد با یک علمی برخورد کند. این را هم برمی دارد عوض می کند البته بستگی دارد به روح شما. اگر روح شما از قدرت بسیار بالایی برخوردار بود، خوابی می بیند که تعبیر

نمی‌خواهد؛ چون فوق تعبیر است؛ مثل رؤیای حضرت ابراهیم **قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ** (صافات: ۱۰۲)؛ من در خواب دیدم که تو را ذبح کردم. حوادثی که در این عالم اتفاق می‌افتد، تنظیم‌شده‌اش در عالم بالا وجود دارد و لطمه‌ای هم به اختیار شما نمی‌زند. حقائق در بالا هست، فقط در عالم پایین دارد اتفاق می‌افتد؛ مثل یک تابلوی نقاشی است که کشیده شده است و شما می‌توانید آن را ببینید اما اگر یک دستگاهی بگذارند که با یک زمانی از جلوی چشم شما رد شود؛ یعنی کل فیلم ساخته شده‌اش در عوالم بالاتر وجود دارد، در این عالم دارد به مرور رد می‌شود و به اختیار هم لطمه‌ای نمی‌زند. (مفصل این بحث قبلاً گفته شده و می‌توانید مراجعه کنید)، لذا اگر بروید پشت صحنه و کل آن را نگاه کنید، همه چیز را دیدید. اگر شما با عالم بالا برخورد کنید اگر جان خیلی قوت داشته باشد، دقیقاً آن عالم بالا را انتقال می‌دهد؛ مثل رؤیای حضرت رسول که دیدند سر تراشیده مکه رفتند، دقیقاً همین اتفاق افتاد.

### تأثیر انطباط در خواب دیدن درست

اما اگر جان در آن مرتبه نباشد، این حوادث را **صورت‌بندی** می‌کند. تبدیل به یکسری صور می‌کند و تحویل نفس، یا حس مشترک می‌دهد، حالا بستگی دارد به روح شما اگر روح شما یک روح غیر متقلب و منضبط باشد، یا آدمی هستید که خیلی گپ می‌زنید و چرت و پرت زیاد می‌گویید. در آیه دارد **إِذَا دُعِيتُمْ فَأَدْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ** (احزاب: ۵۳) پیغمبر شما را دعوت کردید بروید بنشینید و وقتی طعام شد بروید! اینقدر بنشینید حرف بزنید! پیغمبر اذیت می‌شود. نه این که پیغمبر درس و کار دارد! او که امتحان پایان ترم نداشت، بلکه نه تنها یک پیغمبر بلکه علما خیلی راه نمی‌دهند که بخواهید حرف بزنید. می‌گویند کاری دارید بفرمایید و اگر ندارید بفرمایید! اگر شما زیاد گپ می‌زنید، شاخه به شاخه می‌روید و منضبط فکر نمی‌کنید، این رویاها تبدیلاتش خیلی زیاد می‌شود. اینقدر تبدیل پیدا می‌کند که این چیزی که ته آن می‌ماند یک چیزی می‌شود که نه خودتان می‌فهمید چه شد! نه معبر می‌فهمد!

شما دو تا مجلس را تصور کنید. یک مجلس گپ زدن که با یک موضوعی شروع می‌شود، به اندک مناسبتی وارد یک موضوع دیگر می‌شوند. شما یک قلم و کاغذ به دست بگیرید و دقت کنید و موضوعات این بحث‌ها را بنویسید، می‌بینید بعد از یک ساعت درباره ۵۰ موضوع حرف زده شد که موضوع آخری به موضوع اولی هیچ ربطی ندارد، در حالی که همه این‌ها به مناسبت طرح شده؛ مثلاً بحث از آب پشت سد کرج شروع می‌شود به ازدواج تمام می‌شود! حالا اگر ته آن یک نفر بیاید در بحث و از او بپرسید: اگر گفتمی اول بحث چه بود؟ می‌بینید که واقعاً اول بحث را پیدا کردن مشکل است.

اما اگر یک مجلسی باشد که چند کارشناس راجع به یک موضوع علمی دارند صحبت می‌کنند، یا یک فیلمی که دارد یک موضوعی را پیش می‌برد، خیلی وقت‌ها ممکن است وسط فیلم برسید ولی بفهمید اول فیلم چه بوده، لذا این بستگی به روح شما دارد. حتی اگر روح شما متقلب هم نباشد ولی خیلی اهل گعده باشد و یک کسی ۱۰ دقیقه حرفی می‌زند و یک شوخی هم می‌کند و می‌رود و یک انضباطی در مسیرش وجود دارد. مهم عادت نفس است. این که می‌گویند: خواب بعضی‌ها چپ است، این هم واقعیت دارد، هم ندارد. واقعیتش در آن بخش است که خیلی وقت‌ها ممکن است یک انضباط وجود نداشته باشد. کسانی که خیلی خواب‌های آشفته می‌بینند و خوابشان صحنه‌های مختلف دارد، صحنه‌هایی که هیچ ارتباطی با همدیگر ندارد، انگار که با حقائق دارند گپ می‌زنند! معبر هم برای این خواب‌ها کاری از دستش بر نمی‌آید. اگر کسی متقلب و دروغگو باشد که اصلاً اینقدر خواب را عوض می‌کند که چیزی گیر طرف نمی‌آید. اما اگر روح شما یک روح صاف و سالم باشد، روح شما حقائق را دریافت می‌کند، با تعداد صور کمی صورت‌بندی می‌کند، تحویل شما می‌دهد و شما می‌فهمید که بشارتی یا اندازی است، پس منضبط فکر کنید! دروغ نگویند که این‌ها در خواب‌های شما اثر می‌گذارد.

اینقدر خواب مهم است که می‌آمدند خدمت پیغمبر و سؤال پیغمبر این بود که **هل من مبشرات**؛ از این

خواب‌های خوب چه دیدید؟

این اصول و امهات خواب تا فروعات آن که چه خوابی ببینید، چه جوری می‌شود، باشد تا برسیم به بحث

خواب هم بندی‌های حضرت یوسف

خلاصه این که ۱- **حالت منامیه** که در خواب نیست ۲- اضغاث احلام که **دون تعبیر** است ۳- روح‌های قوی که عین واقع را خواب می بینند که **فوق تعبیر** است ۴- یک حدی این وسط است که تعبیر می‌خواهد و تعبیر آن به روحيات شخص بستگی دارد.

یکی از کسانی که خوب می‌تواند خواب را تعبیر کند خود آدم است با توجه به روحيات خودش و اتفاقاتی که می‌افتد. یک کلیدهایی هم این وسط وجود دارد که می‌شود خواب را تعبیر کرد، پس از خواب به شوخی نگذرید!

(۵): قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْضُ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ \*

در روایات داریم که کلاً خوابتان را برای کسی تعریف نکنید؛ چون ممکن است برایتان اتفاقاتی بیفتد و خواب‌ها را هم همیشه تعبیر به خیر بکنید، حتی اگر خواب بد و ناجور دیدید، استغفار کنید و دو رکعت نماز بخوانید.

این که رویا را چه جوری تعبیر بکنید مهم است؛ یعنی ممکن است اتفاق و حادثه‌ای دربر داشته باشد، اما تعبیر شما هم مهم است. تعبیر بد کردن شما ممکن است کسی را بکشد و مردن کسی را جلو بیندازد. این‌ها هم خرافات نیست! این‌ها در لوح محو و اثبات و نه در لوح محفوظ تأثیر دارد ولی ما نمی‌دانیم. در لوح محو و اثبات خط خوردگی و پاک کن هم هست. اجل معلق و اجل مسمی داریم.

اولاً **لَا تَقْضُ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ**؛ برای برادرانت خوابت را تعبیر نکن. رازداری به خصوص در مسئله خواب مسئله مهمی است؛ چون حسد بلند می‌کند.

**فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا**؛ برایت کید می‌زنند و نقشه می‌کشند. بالاخره بچه‌های خودش را می‌شناسد و از این طرف خواب هم که خواب شوخی‌ای نیست، خواب این است که شما می‌خواهید به من سجده کنید. چون که قدری خواب واضح است. شمس و قمر و ۱۱ ستاره که یعنی همین برادرها. این خواب حسدبرانگیز هم هست.

**إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ**؛ می‌خواهد بگوید هم دشمن درون وجود دارد. شیطان برای انسان یک دشمن آشکار است. نه این که خود شیطان آشکار است. اتفاقاً خودش اصلاً آشکار نیست. **إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ**

لَا تَرَوْنَهُمْ (اعراف: ۲۷)؛ شیطان و قبیله‌اش از جایی شما را می‌پایند که شما نمی‌بینید. از نقطه‌ای نفوذ می‌کند و وارد می‌شود که شما نمی‌فهمید! به هر جهت آدم‌ها که به کمین ننشسته‌اند. گاهی شیطان به کمین نشسته است لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (اعراف: ۱۶) و از آن طرف خدا به کمین نشسته إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (فجر: ۱۴) یک کسی هم در کمین خودش؛ دم در دل خودش نشسته و دارد کنترل می‌کند. برای این آدم حتی اگر حمله شیطان هم انجام بشود، متذکر می‌شود. إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف: ۲۰۱)؛ وقتی طوائفی از شیطان حمله می‌کنند، تازه این را برق می‌گیرد! می‌فهمد کمین خورده، ركب خورده. ممکن است ضربات شیطان را بخورد ولی می‌فهمد. از این طرف نفس مستول (تسویل‌کننده) است که جاسوس است؛ یعنی دارد به شیطان کد می‌دهد که شیطان از کدام نقطه حمله کند! چون شیطان برای همه از یک نقطه حمله نمی‌کند. به یک نفر از طریق پول حمله می‌کند. به یک نفر از طریق قدرت حمله می‌کند. نفس هم در ابتدا در مرحله تسویل است و این شأن از آن فعال است. از آن طرف شیطان آن را کادوپیچ و قشنگ می‌کند و تحویل نفس می‌دهد کسی که نفس لوامه‌اش فعال است که فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ تازه می‌فهمد، بینا می‌شود و نقطه‌های ضعف را تشخیص می‌دهد. او اصلاً از حملات شیطان استفاده می‌کند.

اما اگر نفس برسد به نفس اماره (پناه بر خدا!) دیگر شیطان چیزی کادوپیچ هم نمی‌کند! با همین زشتی تحویلش می‌دهد؛ یعنی عادت می‌کند و تحت ولایت می‌رود و می‌شود اولیاء الشیطان! نمی‌دانم با معتادها سر و کار دارید یا نه؟ اول که طرف با سیگار شروع می‌کند، نفسش مسؤل است و دارد کیف و حال می‌کند و شیطان همین جوری هم به او تحویل می‌دهد ولی نفس یک هروئینی دیگر مسؤل نیست، اماره است؛ یعنی اگر از او بپرسی که شما خوشحالی از این وضعیت؟ می‌گوید: نه! اولیای خدا وضع ما را همین جوری می‌بینند که ما چه جوری درگیریم! در یک کاری عادی همه‌اش گرفتاریم! لذا آن آیه که در آیه حجر داریم قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَزِيدَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (حجر: ۳۹)؛ برای اغوا کردن تزیین می‌کنیم. این مال اول کار است بعد لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء: ۶۲)؛ یعنی دیگر ما احتناک می‌کنیم یعنی سواری می‌گیریم، چه بخواهی، چه نخواهی!

إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، لذا دشمنی شیطان آشکار است. اما کسانی که کمین گرفته‌اند یک چیزهایی را می‌فهمند و برایشان تذکراتی هست و نقاط ضعف را هم خوب تشخیص می‌دهند و از این‌ها نردبان می‌سازند و بالا می‌روند. اما کسانی که در کمین ننشسته‌اند و باری به هر جهت اوضاع را می‌گذرانند إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ (اعراف: ۲۷)؛ شیطان و قبيله‌اش از جایی شما را می‌پایند که شما نمی‌بینید.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ می‌خواهی بگویم بدترین اعمال چیست؟ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (کهف: ۱۰۴-۱۰۳)؛ کسانی که اعمالشان گم و گور است ولی خودشان فکر می‌کنند خیلی کار خوبی می‌کنند و خیلی خوب و درست کار می‌کنند. البته با یک توبه واقعی همه چیز حل است. طرف شیطان را خواب دید که چه نشسته‌ای که فلان عابد دارد همه پتهات را رو می‌کند! او خنده‌ای کرد و گفت این را خودم گفتم بنویسد! از آن طرف هم کسی خواب می‌بیند که شیطان هر کسی را با یک جور طناب می‌کشد وقتی پرسید گفت این مال شیخ انصاری است. گفت مال من کو؟ گفت: تو طناب نمی‌خواهی! با هم صحبت می‌کنیم و می‌رویم!

## صلوات!

۱. معروف است که امام از آقای بروجردی می‌پرسند: شما اگر یک دعای مستجاب داشته باشید چه می‌گویید؟ آقای بروجردی می‌گویند: علم اولین و آخرین را خدا نصیبم بکند. بعد آقای بروجردی سؤال را به امام برمی‌گردانند، امام می‌گویند: من دعا می‌کنم عاقبت به خیر بشوم و این خیلی دعای بزرگی است. هیچ هم مهم نیست من چه کار کردم! من یک بار روایتی برای آقای مصباح خواندم (متأسفانه اسم بعضی را که آدم می‌آورد با جریانات سیاسی قاطی می‌شود. به هر حال ایشان از علمای بزرگ است) به این مضمون که اگر کسی با پیغمبر مقاتله بکند، حتی اگر جلوی پیغمبر شمشیر کشیده باشد و توبه کند، سعادت مند می‌شود. آقای مصباح گفتند: توبه یعنی همین دیگر!

۲. سؤال: این روایت اگر قرار بود آدمی بر آدمی سجده کند امر می‌کردیم زن بر شوهرش سجده کند چه معنا دارد؟ جواب: به شرط این که این روایت درست باشد، این نشان احترام و اطاعت است و اگر سجده را به معنای خضوع تام و کامل بگیریم، در نهایت به این معنی است که احترام و تواضع و اطاعت داشته باشند. کسی که ازدواج کرده می‌داند که مرد هر وقت وارد خانه می‌شود اگر بداند چند نفر قداره بند منتظرند تا شمشیر بکشند و نظراتش را خراب کنند، یا حال و روزش را به هم بریزند، این زندگی را خراب می‌کند و مرد را به پرخاشگری می‌کشاند. من با آبدارچی دانشگاه خیلی آشنا شدم و دیدم این با این‌همه مشکلات اقتصادی که خودش هم اقرار می‌کند خیلی خوش است. از او پرسیدم موضوع چیه؟ به سه شماره نرسید که گفت: من خانم خیلی خوبی دارم و

---

توصیفی که از خانمش به عنوان یک خانم خوب می‌کرد از بابت این نبود که او حافظ کل قرآن است یا ... بلکه وقتی خانه می‌روم کاملاً محیط خانه را این‌گونه که من مسئول خانواده‌ام با اطاعت فراهم کرده و این هم لزوماً فرد را قلدر نمی‌کند. نگوئید آقا پررو می‌شود! به هر جهت زندگی را با اخلاق نگه دارید! قابل توجه است بدانید که آمار طلاق در بین افراد تحصیل کرده بالاتر از دیگران است. آیا این ثمره تحصیل است؟ نه! ثمره این است که انگار یاد دادند به جای این که متقابلاً متواضع باشند باید از همدیگر بکنید؛ مثلاً وقت از هم بکنید، یا خیلی کار به دوشتان نسپرند! وقتی توی این مود وارد می‌شوند آمار طلاق بین مردم ۵ به ۱ و بین دانشگاهیان ۳ به ۱ می‌شود. به هر جهت آمارشان بالاتر است.